



مؤلف الكتاب

## اثری ارزنده از محققی گمنام

سیزدهم ربیع الاول سال جاری مصادف است با پنجاه و هشتمین سال درگذشت اندیشمند گمنام، محمد بن عقیل علوی، نامبرده گرچه محقق است گمنام و کمتر کسی با وی آشنایی دارد، ولی خدمات ارزنده او به جهان اسلام به ویژه مکتب تشیع، هرگز فراموش نخواهد شد و نام درخشان او همیشه زنده و جاوید خواهد ماند، محمد بن عقیل آثار بس گرانهایی دارد که شاید بهترین و معروفترین آنها کتاب «محققانه» النصائح الكافية لمن يتولى معاوية» باشد، لذا به مناسبت پنجاه و هشتمین سالگرد رحلت آن محقق بزرگوار، چند صفحه ای درباره او و این اثر ارزشمندش به رشته تحریر درآمده و تقدیم حضور خوانندگان محترم می‌گردد، تا چه قبول افتد و چه در نظر آید؟

نویسنده ارجمند و مؤلف دانشمند، مرحوم محمد بن عقیل علوی حضرمی مردی محقق و متتبع، و کاوشگری کم نظیر بود، او آرائی نو، افکاری روشن و بینشی نوین داشت، محمد در شعبان ۱۲۷۹ ق در شهرستان «مسيله آل شیخ» حضرموت یمن جنوبی<sup>۱</sup> دیده به جهان گشود و

۱ - برای آگاهی از چگونگی کشورهای یمن جنوبی و یمن شمالی، رجوع کنید به کتاب «جغرافیای کشورهای مسلمان» سال چهارم دبیرستان، ص ۷۰-۷۹.

در خانواده‌ای که از بزرگان و سادات آن سامان بودند بزرگ شد، پدر او علاقه زیادی داشت که فرزندش در آینده درس‌لک دانشمندان و بزرگان علم درآید، لذا از همان اوان کودکی وسایل تحصیل و تعلیم او را فراهم نمود و وی را برای تعلیم و تربیت به یکی از علماء حضرموت سپرد. محمد بن عقیل از همان اوائل کودکی به ائمه اطهار اظهار اخلاص و محبت می‌کرد و بغض دشمنان آنان را در دل می‌پروراند، وی از طرف پدر و مادر، نسبتش به اهل بیت (ع) می‌رسید و از سادات علوی به شمار می‌رفت،<sup>۱</sup> گویند وی از سن هفت سالگی در ستایش بنی هاشم شعر می‌سرود و برای کودکان قرائت می‌کرد.

محمد بن عقیل از همان آغاز تحصیل به مطالعه کتابهای تاریخ و تراجم بسیار علاقمند بود و همواره به تحقیق و تتبع اشتغال داشت، نامبرده تعدادی از علوم مختلف را نزد عمو و پدر خود و برخی از اساتید حضرموت که برای تعلیم او حاضر کرده بودند فرا گرفت، ولی یگانه استاد اصلی محمد بن عقیل که شخصیت علمیش رهین او ست، دانشمند نامدار و محقق بزرگوار مرحوم سید ابوبکر بن شهاب بود.<sup>۲</sup>

پدر محمد او را و می‌داشت تا در موضوعات دینی از دیگران تقلید نکند و نظریات خود را آزاد و مستقل بیان نماید، به خاطر این خصوصیات بود که محمد مردی آزاداندیش و مستقل باآمد و در مسائل و موضوعات بدون تقلید از آراء و افکار دیگران، اظهار نظر می‌کرد و در بیان عقائد و آراء خود از کسی ترس و واهمه نداشت، اوضاع زندگی و شرائط محیط هم با او مساعد بود و یکی از موفقیت‌های او که در زندگی علمیش بسیار مؤثر افتاد، وجود کتابخانه غنی و بزرگی بود که از پدران و نیاکان خود به ارث برده بود.<sup>۳</sup>

محمد در پانزده سالگی پدرش را از دست داد و در سن کودکی به جای او نشست و تمشیت امور خاندانش را به عهده گرفت، او در سن هفده سالگی به سنگاپور<sup>۴</sup> و جاوه<sup>۵</sup> اندونزی مسافرت کرد و در آن سرزمین به امور بازرگانی و تجارت و همچنین مطالعه و تحقیق مشغول شد، محمد بن عقیل برای طلب علم و دانش، و کسب و تجارت مسافرت‌های متعددی به شهرها و ولایات مختلف جهان نمود، سه مرتبه به مکه معظمه مشرف شد و همچنین چندین بار به عراق،

۱ - به خوبی روشن نیست که مؤلف پیرو چه مذهبی بوده، پاره‌ای از مواضع کتاب اشاره به شافعی بودن او دارد، ولی یکی از محققان عرب فرمودند که ایشان «زیدی» بوده است.

۲ - شرح حال سید ابن شهاب را، حاج شیخ عباس قمی در «الکنی واللقاب» ج ۲ ص ۲۲-۲۴ ط بیدار، آورده و متذکر شده که ایشان شیعه امامی بوده است.

۳ - گویند از کشور مصر چندین مرتبه خواستند کتابخانه مذکور را خریداری نمایند، ولی مؤلف حاضر به فروش آن نشد.

۴ - سنگاپور کشوری است کوچک و متشکل از چند جزیره که در جنوب شرقی قاره آسیا واقع است.

۵ - جاوه از جزایر اندونزی است و اندونزی با جمعیتی بیش از ۱۵۰ میلیون نفر بزرگترین کشور اسلامی جهان است.

سوریه و مصر سفر کرد، و از هند، چین، ژاپن، اندونزی و سایر کشورهای شرقی نیز دیدن کرد، نامبرده پس از سیر در کشورهای خاوری رهسپار اروپا گردید و مدتی در پایتختها و شهرهای بزرگ اروپا به ویژه پاریس به سیاحت مشغول شد و با رجال علم و ادب آن سرزمین به مذاکره پرداخت، وی در مسافرت غرب با گروهی از خاورشناسان ملاقات نمود و پیرامون موضوعات اسلام و مشرق زمین با آنان به گفتگو نشست و بسیاری از موضوعات و مسائل مربوط به کشورهای اسلامی و شرقی و تاریخ علوم این ناحیه را برای آنان روشن کرد، گویند مذاکرات و محاورات او با خاورشناسان بسیار جالب و قابل توجه است.

اقامت محقق مذکور در سنگاپور و رفت و آمد او به ایالات مختلف اندونزی، هند و... یکی از علل بروز نهضت و انقلاب علمی و اسلامی در جنوب قاره آسیا شد، وی در دوران اقامت خود در آن مرز و بوم دست به اصلاحات مهم و جالبی زد، در خلال جنگ جهانی اول با سعی و کوشش فراوانی که نزد حکومت سنگاپور نمود، توانست مجلسی به نام مجلس شورای اسلامی تأسیس کند که هدف این مجلس، اجرای احکام و قوانین اسلامی بود و همچنین موفق به تشکیل جمعیت اسلامی در آنجا شد، وی در سنگاپور و برخی از ایالات و شهرهای اندونزی مانند جاکارتا<sup>۱</sup>، سورابایا و جاوه، مدارس به زبان عربی و مراکز تعلیم و تربیت اسلامی بنا نهاد و از کشور مصر تعدادی استاد برای تدریس و تعلیم معارف اسلام به آن مراکز آورد، و نیز چندین نشریه، اعم از مجله، روزنامه و... تأسیس نمود، افکار و اهداف اصلاح طلبانه او به وسیله مجله الامام و روزنامه الاصلاح در جنوب آسیا منتشر می شد. و همین طور لجنه ای برای ترجمه و نشر کتب مذهبی بنیانگذاری نمود... که هر کدام این کارها به نوبه خود در گسترش و تبلیغ فرهنگ اسلام در جنوب آسیا سهم به سزائی داشت، اکثر این آثار، هم اکنون موجود و پابرجاست که همگی یادگار دوران اقامت او در آن سرزمین است.

محمد بن عقیل پس از سالها اقامت در سنگاپور و جنوب آسیا و انجام کارهای خیر و اصلاح امور مسلمانان آن سامان، به موطن و سرزمین اصلی خویش یمن بازگشت، باری، منزل و مأوی او در یمن نیز مرکز بزرگ فراگیری معارف اسلام بود، اقشار مختلف مردم برای حل مشکلات و دریافت پاسخ سئوالات به آنجا مراجعه می کردند، محمد وقتی با امام یمن ملاقات نمود، امام یمن ایشان را مورد احترام و تکریم قرار داد و دستور داد او را با هواپیمای مخصوص از شهر حُدَیْدَة به صنعا، پایتخت یمن آوردند و در نزدیکی کاخ خود برای او منزلی مهیا نمود.

دانشمند مزبور با علماء و بزرگان لبنان، سوریه، مصر و... مکاتبه داشت که پاره ای از نامه های او در تاریخ ثبت شده است.<sup>۲</sup> وی گاهی در روزنامه ها و مجلات مقاله می نوشت که

۱- جاکارتا پایتخت اندونزی است. ۲- العتب الجمیل علی اهل الجرح والتعمیل، چاپ اندونزی ص ۱۹-۲۳.

نوشته های او در «المؤید»، «الآهرام»، «العرفان» و «المقّم» چاپ شده است.  
 محمدبن عقیل در سال ۱۳۵۰ ق در شهر مگلا<sup>۱</sup> یمن دیده از جهان فروست و  
 مملکت یمن به خاطر مرگ وی تعطیل عمومی شد و پرچم ها نیمه افراشته گردید<sup>۲</sup>، بزرگ  
 اندیشمند جهان اسلام، علامه عالی مقام مرحوم سید محسن امین، مؤلف کتاب عظیم اعیان  
 الشیعة در رثای او قصیده بسیار جالبی سروده که به خاطر رعایت اختصار، چکیده ای از آن را  
 نقل می کنیم.

سألت دموع العین کُلَّ سبیل	حزنا لفقد محمدبن عقیل
رزه بدا فیه الزمان بمقله	مکفوفة وبساعد مشلول
رزه به فجع النبی محمد	والبضعة الزهرا خیربتول
والمترضی وبنوه کلهم فهم	من سائل بآک ومن مسئول
أرض الحدیة <sup>۳</sup> قد سمدت بنازل	لم تسمح الدنيا له بمثیل
وعمدت للبرهان یشرق وجهه	نورا وقد عمدوا الی التدجیل
ان النصائح <sup>۴</sup> منك کافیه غدت	بسماعها ان قوبلت بقبول
اظهرت بالعتب <sup>۵</sup> الجمیل وما حوی	هفوات اهل الجرح والتعدیل
ولقد ورثت من النبی محمد	خلقا کزهر الروضة المطلول
ونشرت بین الخلق علما زاهرا	ماکان بالمکذوب والمنحول
فی کل جیل منك ذکر خالد	یرویه جیل غابر عن جیل <sup>۶</sup>

اشکهای دیدگان، همانند سیل، به خاطر غم و اندوه از دست دادن محمدبن عقیل جاری شد.

بزرگ مصیبتی که در آن، روزگار چشمش کور و بازویش فلج شد.

مصیبتی که به سبب آن محمد پیامبر خدا، و پاره تنش فاطمه زهرا- بهترین زنان- دردمند شدند.

۱- در مقدمه کتاب العتب الجمیل گفته شده که مرگ وی در شهر «حدیده» یمن بود.

۲- مطالبی که درباره مؤلف ذکر شد، از مقدمه ای که به وسیله یکی از دانشمندان از طرف موسسه «منشورات هیئة البحوث الاسلامیة» کشور اندونزی بر چاپ کتاب العتب الجمیل نوشته شده، و از مجله العرفان به نقل از ترجمه کتاب النصائح الکافیة اخذ و اقتباس شد.

۳- خطاب به شهر «حدیده» است که اکنون جزء کشور یمن شمالی است.

۴- اشاره است به کتاب النصائح الکافیة لمن یتولی معاویه.

۵- اشاره است به کتاب العتب الجمیل.

۶- العتب الجمیل ص ۳۳-۳۶، اعیان الشیعة ج ۹ ص ۴۰۰.

مصیبتی که از آن علی مرتضی و تمامی فرزندانش غمگین شدند، تمامی اینان با چشم گریان درباره این مصیبت گفتگو و از یکدیگر پرسش می‌کردند.

ای سرزمین حدیده! تو همانا به وسیله میهمانی سعادت‌مند شدی، که دنیا مثلش را تحویل نداده است!

ای محمد بن عقیل، توبه سوی برهانی رفتی که از چهره اش نور می‌درخشد، و حال آنکه دشمنان توبه سوی برهان دروغین رفتند.

بی‌شک اندرزهای تو کافی است و می‌رود که به وسیله شنیدن آن، اگر عناد نباشد، مورد قبول افتد!

تو با ملامت نیکو و آنچه در بردارد، لغزشهای اهل جرح و تعدیل (علمای علم رجال) را، آشکار ساختی!

تو همانا از پیامبر اسلام، خلقی را به ارث بردی، که مانند شکوفه گلستان شبنم دیده است!  
تو علم درخشانی را بین مردم پخش کردی، که نه دروغ بود و نه از دیگران!  
آری، در هر قرن یاد نیک توجاودان است و آن را هر نسلی از نسل پیشین نقل می‌کند!

نامبرده در طول زندگانی پر بار خود تألیفات سودمندی به یادگار گذاشت که تعدادی از آنها به شرح زیر است:

۱- النصائح الکافیة لمن يتولى معاوية.<sup>۱</sup>

۲- تقوية الايمان برد تزكية ابن ابی سفیان.<sup>۲</sup>

۱- النصائح الکافیة، چاپهای متعددی دارد که برخی از آنها در بمبئی، بیروت، بغداد و نجف بوده است، گویا کتاب مذکور در ایران که مهد تشیع است به چاپ نرسیده و کمتر کسی از آن اطلاع دارد و این خود باعث بسی تأسف است لذا از ناشرین محترم اسلامی تقاضا می‌شود که برای ترویج تشیع این کتاب و دیگر آثار مؤلف را به طبع رسانده و در اختیار عموم قرار دهند.

شخصی در رد النصائح الکافیة کتابی نوشت به نام «الرقية الشافية من مضار النصائح الکافیة» آنگاه سید ابن شهاب استاد ابن عقیل، در پاسخ آن کتاب «الحمیه من مضار الرقية» را نگاشت.

۲- شخصی در کشور اندونزی کتابی نوشت به نام «اعانة المسترشدين على اجتناب البدع فی الدین» که در سال ۱۳۲۹ ق در جزیره جاوه آن کشور به چاپ رسید، نویسنده در این کتاب افتراءات و تهمت‌های زیادی را به مذهب شیعه روا داشت و در آن از معاویه به سختی دفاع نمود و لمن آن ملعون الهی را حرام شمرد، محمد بن عقیل علوی، تقوية الايمان را در رد کتاب مزبور نوشت که می‌توان گفت متمم کتاب النصائح الکافیة است، این کتاب در سال ۱۳۴۳ در لبنان و بعد در عراق به طبع رسیده است.



- ۳- العتب الجمیل علی اهل الجرح والتعذیل<sup>۱</sup>  
 ۴- فصل الحاکم فی النزاع والتخاصم فیما بین بنی امیه وبنی هاشم.<sup>۲</sup>  
 ۵- ثمرات المطالعة.<sup>۳</sup>  
 ۶- احادیث المختار فی معالی الکترار.<sup>۴</sup>  
 نوشتار کوتاه ما پیرامون کتاب النصائح الکافیة لمن يتولى معاوية<sup>۵</sup> است.

### موضوع بحث کتاب

تعداد کمی از کوتاه فکران که دارای فکری متحجر و مغزی منجمد بودند و از پی بردن به حقایق و گرایش به واقعیات چندان حظی نداشتند، تفکرشان قشری و سطحی بود، و ثمره علمشان هم پرورش ظالم و توجیه و تأویل جنایات و کارهای فاسد آنان، آری، بی‌شرمانه‌ترین توجیه از قلم جور پرورشان بر روی کاغذ آمد و دلهای آزادگان و محققان واقع بین را جریحه‌دار کرد!!! این بشکسته قلمها با قلم ننگینشان جسارت نابخشودنی به ساحت مقدس سفیرالهی رسول گرامی اسلام نمودند و کار وقاحت و بی‌حرمتی را به جایی رساندند که از قاتل جگرگوشه آن حضرت، یعنی جرثومه فساد و تباهی، یزید بن معاویه، قدردانی نمودند و لعن آن ملعون و موجود پست و نیز پدرش معاویه را، جایز ندانسته و تحریم کردند!!! این خفاش صفتان و کوردلان ندیدند که خدا و رسولش، بنی امیه را که کافران مکه و منافقان مدینه بودند، مورد

- ۱- کتابی است در علم الرجال و در موضوع خود کم نظیر، که به همت مؤسسه «منشورات هیئت البحوث الاسلامیة» کشور اندونزی به چاپ رسیده است و به زبان فارسی نیز ترجمه شده است.  
 ۲- کتاب کوچکی است و در واقع تهذیب و تحریری است از کتاب «النزاع والتخاصم فیما بین بنی امیه وبنی هاشم مقریزی» کتاب مذکور همراه کتاب تقویة الایمان در لبنان و عراق چاپ شده است.  
 ۳- نویسنده در این اثرش موضوعات و مطالب متفرقه‌ای را جمع آوری نموده و این کتاب چکیده تحقیقات و نتایج یک عمر مؤلف محسوب می‌شود، چاپ آن سالها قبل در کشور مصر شروع و جلد اول آن هم منتشر شد، گویند: قریب ۸۰۰۰ صفحه می‌شود.  
 ۴- خود مؤلف در نامه‌ای که در تاریخ ۲۲ ذیحجه ۱۳۴۶ ق از شهر مکه‌ای یمن برای مرحوم سید محسن امین ارسال داشته در باره این دو کتاب - ثمرات المطالعة و احادیث المختار - که گویا مرحوم سید محسن امین از آنها سؤال کرده بود چنین نوشته است: «والمجموعة ثمرات المطالعة هی عبارة عن كسكول، ولما اقدر علی مقابلة النقل وتهذیب الكلام، والذي قد سؤد منها یدخل فی اكثر من ثلاثة مجلدات، وبقی بالفهارس والمذكرات نحو ضعف ذلك او اكثر و معها كنت كتبت مسودة نحو ثلاثة مجلدات ایضاً فی حياة امیر المؤمنین وما تعلق بها ثم عجزت عن اتمامها، لان الباقي اكثر مما سؤدته، وسماها شیخی ابوبکر، احادیث المختار فی معالی الكترار» (العتب الجمیل ص ۲۰-۲۱).  
 گویند: نسخه خطی احادیث المختار در شهر صنعا در کتابخانه مسجد «اروی بنت احمد الصلیحیة» موجود است.  
 ۵- در اینجا لازم می‌دانم که از محقق بزرگوار جناب آقای سید جعفر مرتضی حسینی لبنانی (دام ظلّه) تشکرو و سپاسگزاری نمایم، چرا که معظم له چهار کتاب نخستین را با کرامت و بزرگواری خاصی در اختیار اینجانب قرارداد که الحق بنده در این نوشتار از آنها استفاده کردم و بهره‌ها بردم، به ویژه از مقدمه کتاب العتب الجمیل.

لعن و سرزنش قرار دادند.<sup>۱</sup>

بگذریم، کتاب مورد بحث همان طور که از نامش پیدا است تحقیق و بررسی گسترده، و تجزیه و تحلیل کاملی است پیرامون زندگی ننگین و شخصیت دروغین معاویه، اعمال پلید و کردار زشتش را بازگو می‌نماید و چهره کریه او را به خوبی نمایان می‌سازد، همچنین صحبت از فرزند طالح معاویه، یزید به میان آمده و کسانی را که لعن آن مجسمه رذالت را روا نمی‌دانند، به چهار میخ علمی کشیده است و پاسخ دندان شکنی به این توجیه گران ظالمان و تأویلگران قاتلان داده است، و در ضمن شخصیت و برجستگی و فضائل و برتری اهل بیت عصمت و طهارت (ع) به ویژه چهره درخشان حضرت علی (علیه السلام) را، اثبات و آشکار می‌نماید.

انصافاً مؤلف نقاد، پژوهشی عمیق در این باب انجام داده و بدون مبالغه کتاب او در نوع خود ابتکاری و بی‌نظیر است و اگر کسی بخواهد درباره معاویه و طغیانهای بی‌حد و حصر او مطالعه و بررسی کند، بسیار بجا است که به کتاب مذکور مراجعه نماید.

دانشمند فقید مرحوم دکتر محمد ابراهیم آیتی در این مورد چنین می‌گوید:

● اگر کسی بخواهد به دوران حکومت معاویه نیک آشنا شود و از صدها کتاب و دفتر بی‌نیاز گردد به همان کتاب «النصائح الکافیة لمن يتولى معاوية» بنگرد و آن را از آغاز تا به انجام بخواند و آنگاه انصاف دهد.<sup>۲</sup>

مؤلف به دور از تعصبات نابجا تحقیق کاملی را آغاز کرده و بدون اینکه احساسات، عواطف و... جلوی دید واقع بین او را بگیرد به کنکاش و پژوهش خود ادامه داده، تا در نتیجه از نظر قرآن، احادیث، سیره رسول خدا (ص) و ائمه (ع) و نیز از نظر اصحاب و سیره آنان، اثبات کرده که، نه فقط لعن معاویه جائز است، بلکه واجب بوده و این موجود فسادگر، سزاوار سب و لعن می‌باشد، و برای مدعای خود دلائل گوناگون و گویائی را اقامه نموده است. نویسنده بدون ترس و وا همه حقائق و واقعیات را به رشته نگارش درآورده و از اینکه به

۱ - ابو عثمان عمرو بن بحر جاحظ، دانشمند شهر اهل تسنن که به عناد با خاندان ابوطالب و علی (علیه السلام) معروف است، در مورد جواز لعن معاویه و یزید رساله جالبی به او منسوب است که در آن با ادله قاطع جواز لعن معاویه و یزید را ثابت نموده، وی در رساله یاد شده می‌گوید:

«عجب اینجا است بعضی از مردمان خودرو در عصر و زمان ما پیدا شده‌اند که می‌گویند: نباید معاویه را سب و لعن کرد، زیرا وی از صحابه رسول خدا بوده، در حالی که این حرف به کلی خطا است و براهت از کسی که سنت رسول خدا را منکر شده، مطابق سنت رسول الله است، و به هر حال مردمی که این توجیهاات را می‌نمایند از یزید و پدرش و ابن زیاد و پدر او بدتر و در کفر همدوش آنها خواهند بود.

(ترجمه رساله معاویه جاحظ، ضمیمه ترجمه النزاع و التخاصم مقریزی، ترجمه سید جعفر غضبان ص ۱۸۴ و ۱۸۷).

۲ - بررسی تاریخ عاشورا، دکتر آیتی ص ۴۹.

خاطر نگارش این کتاب مورد اهانت و ملامت، سرزنش و خورده گیری واقع شود نهراسیده است وی درباره همین موضوع چنین نوشته است:

مباحث و موضوعاتی که در این کتاب ذکر شد، حقایقی است که در دل‌های دوستان و ارادتمندان اهل بیت علیهم السلام اثر می‌گذارد و گوشه‌های اهل ایمان را برای شنیدن آن آماده می‌کند، من در این کتاب حق را بیان داشتم، اگر چه از نظر عده‌ای ناگوار است، من برای خاطر راستی و درستی، حقائق را روشن کردم تا همگان بدانند که در میان علمای اهل سنت هم افراد منصفی پیدا می‌شوند که واقعیات را بیان کنند و حق را بر زبان جاری کرده و راه انصاف را بیمایند، در میان علمای اهل سنت هم گروهی هستند که همواره به طرف حق مشی می‌کنند و حقائق و واقعیات را بدون تعصب و تقلید و بطور صریح اظهار می‌دارند و از گفتار مطالب نادرست و غیر صحیح اجتناب دارند، ولیکن گاهی ممکن است افرادی برای اینکه گرفتار زبانهای زهرآلود نشوند، از ابراز حق خودداری کنند و در برابر مدعیان دوستی اهل بیت (ع) از ذکر مناقب و فضائل آنان سکوت نمایند، ولی چه باید کرد که انسان هیچ گاه از گزند مخالفین آسایش ندارد، مگر افراد اندکی که اهل بصیرت و انصاف هستند و در مسائل مورد خلاف با دیده حقیقت می‌نگرند، من هم در نگارش این کتاب تیرهای زهرآلود مغرضان را که بر پیکرم وارد خواهد شد قبول می‌کنم و خود را در معرض رد و ایراد متعصبان و افراد نادان قرار می‌دهم و در مقابل این تهمت‌ها و اعتراضات ناروا از خداوند ثواب جزیل و اجر و مزد، و بزرگی خواستارم.<sup>۱</sup>

خواننده کتاب علاوه بر اینکه کاملاً بر نیرنگها و شگردهای معاویه اطلاع حاصل می‌کند و او را به خوبی می‌شناسد، به اطلاعات و آگاهیهای دیگری هم دست می‌یابد، مانند تحقیقات تاریخی، رجالی، تراجمی، حدیثی و... و بحثهای جالب دیگری مثل تکذیب افسانه عادل بودن تمامی صحابه و...

خلاصه، کتابی را که علامه شهیر مؤلف بزرگ الغدیر، مرحوم امینی (رضوان الله علیه) مشتاق ترجمه اش به فارسی باشد و مترجم آن را بر این امر تشویق و ترغیب بنماید و به مجرد اینکه از مترجم می‌شنود که قصد ترجمه این کتاب را دارد، از پشت میز کارش برمی‌خیزد و به منزل می‌رود، آنگاه یک نسخه از کتاب را برای مترجم می‌آورد، تا اساس کار مترجم

۱ - معاویه و تاریخ ترجمه النصائح الکافیة لمن یتولی معاویه، ص ۳۳۲، انتشارات مرتضوی، چاپ دوم.



واقع شود،<sup>۱</sup>... و نیز دانشمند نامور جهان تشیع مرحوم سید محسن امین (رحمة الله عليه) در مرثیه ای که برای مؤلف کتاب سروده از آن آنگونه به عظمت یاد می‌کند،<sup>۲</sup> از تعریف بی‌نیاز است.

### دورنمایی از محتوای کتاب

مؤلف، مقدمه بسیار کوتاهی درباره اهمیت کتابش دارد، بعد از آن متن کتاب با سؤالی در مورد سب و شتم معاویه، که آیا ضرر و هلاکت در ترک لعن معاویه است یا به عکس در لعن او! شروع می‌شود، که مؤلف نظریه اول را می‌پذیرد، پس از آن عقائد مسلمانان درباره معاویه را نقل می‌کند و می‌نویسد:

● مسلمانان درباره معاویه و رئیس فرقه باغیه و پیشوای نواصب سه دسته شده‌اند و هر یک درباره او نظری دارند که اینک ذکر می‌شود:

اول: — گروهی از مسلمین، حکم به فسق وی کرده و رضای خداوند را در بغض او دانسته و شایسته لعنش می‌دانند و از تعظیم و تکریم وی خودداری می‌کنند، این جماعت، اهل حق و حقیقت و طرفدار فضیلت و هدایت می‌باشند، پیشوای این دسته، امیر مؤمنان و سرور متقیان علی بن ابی طالب است، این گروه اهل حق و فضیلت بوده و باید در مسائل دین به این جماعت اقتداء کرد.

دوم: — جماعتی از مسلمانان که مزه حق را چشیده و از حقیقت هم بویی برده‌اند و از فساد و طغیان معاویه نیز کم و بیش اطلاعی دارند، ولیکن به خاطر شبهاتی که برای آنان پیش آمده در مورد معاویه، گرفتار تردید شده‌اند و لذا از تفسیق او خودداری می‌کنند و بغض او را آشکارا اظهار نمی‌دارند و مانند دسته اول علناً از او براءت نمی‌جویند، این دسته خیال می‌کنند که سلامت در مسالمت و بی‌طرفی است و نجات و رستگاری در احتیاط و میانه‌روی می‌باشد، لذا در مورد معاویه سکوت کرده و از بحث و تحقیق در این باره خودداری می‌کنند، ما امیدواریم انشاء الله این گروه که موضوع بر آنها مشتبه گردیده، به مذهب حق رجوع کنند و غبار شبهات را از دل خود بزدایند.

سوم: — گروهی هستند که وی را از مقام واقعی خود بالاتر برده و موقعیت

۱ — معاویه و تاریخ ص ۲.

۲ — العتب الجمیل، ص ۳۳-۳۶، ایمان الشیعه، ج ۹ ص ۴۰۰.

کاذبی برای او ترتیب داده‌اند، این جماعت روایات زیادی در فضیلت او جعل کرده و اخبار فراوانی در مناقب وی وضع نموده‌اند، سیئات او را تبدیل به حسنات و فضایل و قبایح او را به محاسن و مکارم، مبتدل ساخته‌اند، این گروه درباره معاویه راه افراط و غلور را پیموده‌اند و او را پرچمدار حق می‌دانند، اینان برای اثبات مدعای خود هیچ گونه دلیل و برهانی ندارند و اخبار متواتره را که در فساد عقیده و طریقه او رسیده است، با تأویلات فاسده خود توجیه می‌کنند و می‌خواهند حق را از بین ببرند و بر روی آن پرده بکشند و حقیقت قضیه را مخفی بدارند!! جواب این طائفه که حق و حقیقت را درک نمی‌کنند، جز سکوت چیز دیگری نمی‌تواند باشد، زیرا که اینان اهل بغی و عناد و ظلم و فساد می‌باشند و از هوی و تعصب پیروی می‌کنند، ما اکنون درباره این جماعت، سخن نداریم و مطالب خود را در دو موضوع تشریح می‌کنیم، اول: پیرامون اقوال کسانی که معاویه را مورد بغض قرار داده و او را مستحق لعن می‌دانند و ذکر مطالبی از افعال صحابه و اهل بیت اطهار(ع) و تابعین، دوم: در بیان فساد عقیده کسانی که در مورد معاویه گرفتار شبهه شده‌اند و از لعن و بغض او خودداری می‌کنند.<sup>۱</sup>

سپس فصل اول کتاب که درباره ادله جواز لعن است شروع می‌شود، مؤلف ابتداء در باره جواز لعن، به قرآن و سخنان رسول خدا(ص) و علی مرتضی(ع) استشهاد می‌نماید و از ابن اثیر نقل می‌کند که علی(ع) در نماز صبح در قنوت می‌فرمود:

«اللهم اللعن معاویه...»<sup>۲</sup>

نویسنده، آنگاه سخنان غزالی و ابن منیر را در این باره نقل می‌کند و می‌گوید:

ابن منیر و غزالی گفته‌اند: لعن شخص معین اگرچه استحقاق لعن را هم داشته باشد جایز نیست و غزالی اضافه کرده، لعن کافر معین هم جایز نیست، مگر اینکه ثابت شود وی بر کفر خود مرده است... غزالی درباره عدم جواز لعن، مفصل سخن رانده و حتی کار را به جانی رسانیده که یزید را هم جایز لعن نمی‌داند تا چه رسد به پدرش!!، غزالی گوید: سزاوار نیست گفته شود خداوند قاتلان حسین بن علی(ع) را لعنت کند، زیرا در لعنت کردن اشخاص خطر است ولیکن در سکوت خطری نیست، غزالی در این باره بسیار افراط کرده و لعن شیطان را هم جایز نمی‌داند!!!<sup>۳</sup> ما از کسی باکی نداریم

۳- احیاء العلوم ج ۳ ص ۱۲۳-۱۷۶ ط بیروت.

۱- معاویه و تاریخ ص ۱۹-۲۱.

۲- النصائح الکافیة، ط بغداد ص ۷.

و حق را آشکارا می‌گوئیم، امام غزالی در این موضوع اشتباه کرده و راه خطا رفته است و ما هرگز نمی‌توانیم نظر او را قبول کرده و گفتار او را تصدیق نمائیم و راه وی را بیپیمائیم و اگر بنا شود به گفتار باطل همه علماء توجه و اشتباهات و لغزشهای آنان پذیرفته شود، حق از بین می‌رود و اوها و خیالات جایگزین آن می‌گردد، و در چند سطر قبل مطالبی را تذکر دادیم که مدعای وی را باطل می‌کرد، ما کلمات خدا و سخنان حضرت رسول (ص) و افعال او، و همچنین گفته‌های بزرگان صحابه و تابعین را در این موضوع تشریح کردیم و ادعای غزالی و پیروان او را باطل ساختیم<sup>۱</sup>.

بعد نویسنده، حدیث صحیحی را از رسول خدا (ص) نقل می‌کند که در آن شش گروه، مورد لعن خدا و تمامی پیامبران واقع شده‌اند که قهراً معاویه هم جزء آنان است، و دنبال آن سخن مشهور حسن بصری را می‌آورد که او گفته: در معاویه چهار خصلت وجود داشت که اگر یکی از آنها در هر کس بود موجب هلاکت او می‌شد.<sup>۲</sup> آنگاه مؤلف شروع به تشریح مفصل جنایات و طفیانهای معاویه که موجب لعن او شده می‌نماید، و در طلیعه این بحث چنین می‌نگارد:

ما قبل از آنکه جنایات معاویه را تشریح کنیم، لازم است از بزرگترین و مهمترین جنایات و کفر او که قیام بر ضد خلیفه حق و امام راستی و درستی است شروع کنیم، معاویه با کسی از راه عناد و دشمنی درآمد که مخالفت و عناد با او، دشمنی و مخالفت با خدا و رسول است.<sup>۳</sup>

سپس به طور مشروح و مفصل جنایات معاویه را شرح می‌دهد که چکیده عناوین آن چنین است:

قیام او علیه علی (ع)؛ جنگ صفین؛ استلحاق زیاد به ابوسفیان؛ انتصاب یزید به ولایت عهدی؛ روی کار آوردن افراد پست و ظالم نظیر: مغیره بن شعبه، عمرو بن عاص، عمرو بن سعید بن عاص، سمرة بن جندب، بسر بن اوطات، زیاد بن ابیه، عبیدالله ابن زیاد... و منزوی نمودن و خانه نشین کردن افراد فاضل و اشخاص برجسته و متقی، کشتن و به شهادت رساندن چهره‌های درخشان و محبوبی چونان: سبط اکبر رسول خدا (ص) حضرت امام حسن مجتبی (ع)، عمار یاسر، حُجر و اصحابش، مالک اشتر، عبدالرحمن بن خالد، محمد بن ابی بکر و...، جعل حدیث به نفع خود و بر ضرر علی (ع)، اختراع و اشاعه ست آن

۱ - معاویه و تاریخ، ص ۳۰-۳۵.

۲ - برای اطلاع از متن حدیث و نیز سخن حسن بصری رجوع کنید به النصائح الکافیة ص ۱۵ و ترجمه آن ص ۳۸-۳۹.

۳ - معاویه و تاریخ ص ۳۹.

بزرگوار، جنایات عمال معاویه، تجاوز معاویه به اموال مسلمین و...

آنگاه مؤلف وارد استدلال بر وجوب بغض معاویه می‌شود و پس از آن فصل دوم شروع می‌شود که عبارت است از: شبهاتی که در مورد لعن معاویه اقامه شده، که مؤلف یک به یک آنها را می‌آورد و پاسخ می‌دهد، پنج شبهه در این باره هست که لابلای جواب آنها، ماجرای تعدیل صحابه هم عنوان می‌شود که به طور مشروح در این مورد بحث شده و در همین جاست که کذب «خال المؤمنین» بودن معاویه و نیز کذب «کاتب وحی» بودنش را برملا می‌سازد.<sup>۱</sup>

سپس مؤلف متعرض ظلمهای بنی عباس نسبت به اهل بیت (ع) می‌شود و می‌نویسد:

پس از بنی امیه، بنی عباس مصدر امور شدند و اینها هم با اینکه نسبت به بنی امیه دشمنی داشتند ولی کوشش می‌کردند، تا از فضائل و مناقب علی و اهل بیت او جلوگیری نمایند و در نتیجه اهل بیت در زمان این دو حکومت، بلکه در زمان عبدالله بن زبیر هم همواره در رنج و اذیت و تبعید و زندان قرار داشتند،<sup>۲</sup> در واقع اهل بیت از ظلم بنی امیه خلاص شدند و گرفتار ظلم و فساد بنی عباس گردیدند و اخبار حضرت رسول (ص) در این مورد مطابق درآمد<sup>۳</sup>، اگر بنی عباس با بنی امیه دشمنی داشتند با علویین هم مخالفت می‌کردند و از فضائل و مناقب آنها ناراحت می‌شدند، حتی یکی از سلاطین آنان جنایت را به آنجا رسانید که قبر حسین بن علی (ع) را خراب کرد و در زمین آن زراعت نمود!! یکی دیگر از آنها امر کرد که علوی‌ها حق ندارند بر اسب سوار شوند و یا برای خود خادم اختیار کنند، و اگر چنانچه یکی از علوی‌ها با مرد دیگری در موردی نزاع داشته باشند باید قضاوت حق را به غیر علوی بدهند، گروه زیادی از اهل بیت در زندانهای بنی عباس کشته شدند و از بین رفتند...<sup>۴</sup>

بعد، نظر محمد بن ادریس شافعی (رئیس مذهب شافعی) در باره علی (ع) ذکر می‌شود و دنبال آن فضیلت و برتری حضرت علی (ع) بر خلفاء و اسبقیت حضرتش در اسلام و... بیان شده است.

سرانجام با تبیین و توضیح عقائد آباء و اجداد مؤلف در باره معاویه و تذکراتی پیرامون کتاب، اوراق گل‌های خوشبو و معطر گلستان تحقیق این محقق گمنام پایان می‌پذیرد، ناگفته نماند که نویسنده محترم بعضاً اشتباهاتی هم دارد، مانند اینکه اصحاب جمل را مجتهدانی که

۱- در این مورد رجوع کنید به صفحات ۲۲۳-۲۸۷ ترجمه کتاب.

۲- برای آگاهی از این مورد، رجوع شود به کتاب گرانسنگ «الانتفاضات الشیعیة» هاشم معروف حسنی.

۳- برای اطلاع رجوع شود به کتاب «مقاتل الطالبیین» ابوالفرج اصفهانی.

۴- معاویه و تاریخ ص ۳۱۰-۳۱۱.



در استنباطشان به خطا رفته اند، قلمداد می نماید و می گوید: عایشه و طلحه و زبیر پس از جنگ به اشتباه خود پی برده و از کرده خود پشیمان شده و توبه کردند<sup>۱</sup>... و یکی دو اشتباه دیگر.

### ترجمه فارسی کتاب

دانشمند محترم حضرت حجة الاسلام جناب آقای شیخ عزیزالله عطاردی که از نویسندگان پرکار شیعه است، کتاب مزبور را به فارسی برگردانیده، ایشان در سر آغاز کتاب در باره ترجمه خود این گونه نگاشته است.

در سال ۱۳۸۳ هنگام اقامت در نجف اشرف، یکی از روزها در کتابخانه مبارکه امیرالمؤمنین (ع) در محضر پرفیض علامه جلیل القدر و محقق مجاهد، شیخ عبدالحسین امینی رضوان الله علیه مؤلف القدير و مؤسس کتابخانه نامبرده بودم، ضمن گفتگوها می که همواره با آن محقق بزرگوار داشتم، متذکر شدم که در نظر دارم کتاب النصائح الکافیة لمن يتولى معاوية را ترجمه نمایم، تا فارسی زبانان نیز از مطالب این کتاب استفاده کنند، علامه متوفی رحمة الله علیه، تصمیم حقیر را پسندید و به ترجمه آن تشویق و ترغیم فرمودند، سپس شخصاً از پشت میز کارش حرکت فرمود و به منزل خودشان تشریف بردند و یک نسخه از کتاب نامبرده را از کتابخانه شخصی خود آوردند و به اینجانب مرحمت فرمودند.<sup>۲</sup>

مترجم پس از سرآغاز یاد شده، مقدمه کوتاهی دارد در باره اعمال و عقائد ابوسفیان و معاویه و عقیده مسلمین در باره صحابه، توفیق حاصل نشد که مقداری از متن عربی با ترجمه فارسی تطبیق شود، لیکن ترجمه، ظاهراً گویا و معادل متن عربی است و تقریباً دارای نثری روان و سلیس است، مترجم عناوین جالب و گویائی برای سرفصلهای متن انتخاب نموده و به تناسب موضوعات و مطالب، آنها را درج کرده است که این خود کار بسیار مفیدی است، و نیز تعدادی پاورقی دارد که برخی از آنها ترجمه آیاتی است که در متن عربی آمده و پاره ای هم شرح و توضیح بعضی از مطالب، ولی با این وصف ترجمه از چند کاستی برخوردار است:

الف - پاورقی های مؤلف در ترجمه نیامده است.

ب - مؤلف یک ارجوزه از علامه جیفظی و دو قصیده جالب از استادش سید ابن شهاب، که یکی در رثاء علی (علیه السلام) و دیگری در رثاء امام حسین (علیه السلام) نقل کرده<sup>۳</sup>

۱ - معاویه و تاریخ ۵۸-۵۹، النصائح الکافیة ص ۲۷.

۲ - معاویه و تاریخ ص ۲.

۳ - النصائح الکافیة، ص ۲۱۰-۲۱۹.

و علتش را هم چنین بیان داشته :

وانما خصصتهما بالنقل لما فيهما من التصريح بالحق والانحاء على المداهين المتملقين.<sup>۱</sup>  
همانا این دو قصیده را به خاطر آن نقل نمودم که در آنها تصریح به حق شده و اعتراضی به  
فریب کاران و چاپلوسان.

مترجم نه متن عربی و نه ترجمه آنها را آورده، و نه به حذف آنها اشاره ای نموده.  
ج - یک مقدمه در آغاز کتاب که گویا از طرف ناشر است و دو تقریظ یکی از سید  
ابن شهاب و دیگری از شیخ صالح یافعی در آخر آن و نیز متن نامه معتضد بالله، که در آن مردم  
را امر کرده به لعن معاویه، از تاریخ طبری درج شده که هیچکدام در ترجمه نیامده و درباره  
آنها یادآوری هم نشده است.

د - در چند جا کلمه زوربه معنای زور مصطلح در زبان فارسی ترجمه شده<sup>۲</sup> که غلط  
است و می باید به «باطل» یا «دروغ» ترجمه شود.

ه - اگر مترجم آدرس منابع و مآخذی که مؤلف از آنها مطالب نقل نموده، در پاورقی  
می آورد، بسیار نافع و جالب بود. بویژه که خود مؤلف نام آنها را ذکر کرده است.  
و - خوب بود آیات، احادیث، اشعار و برخی کلمات مشکل، اعراب گذاری شود و  
فهرستهای فنی نیز به کتاب افزوده شود.

ز - نام کتاب در ترجمه فارسی معادل عربی آن نیست، چرا که اسم کتاب  
همچنانکه گذشت «النصائح الكافية لمن يتولى معاوية» است، که معادلش در فارسی  
می شود « اندرزهای کافی به دوستان معاویه»، حال چرا مترجم محترم از این نام عدول  
کرده، به خوبی روشن نیست،<sup>۳</sup> ولی شاید به خاطر این بوده که این اسم را رساننده و گویای  
محتوای کتاب نمی دانسته، به هر حال بهتر بود که نام اصلی کتاب یادآوری می شد، مثلاً با  
خط ریزتری بر روی جلد آن نوشته می شد «ترجمه النصائح الكافية لمن يتولى معاوية».

البته نواقص یاد شده در چاپهای بعدی قابل جبران و تدارک است و ما نیز امید آن را  
داریم، به هر حال زحمات مؤلف و مترجم هر دو قابل تشکر و سپاسگذاری است و ما از  
خداوند رحمان برای مؤلف فقید طلب رحمت و مغفرت و برای مترجم محترم، طلب سعادت و  
موفقیت می نمائیم.

.....  
۱ - النصائح الكافية، ص ۲۱۱.

۲ - معاوية و تاریخ، ص ۲۸۸.

۳ - در چاپ اول ترجمه کتاب که در سال ۱۳۵۲ شمسی بوده، نام کتاب چنین است «اندرز به هواداران معاویه».